سعادت چیست؟

**تتبع و نگارش:  
امین الدین «سعیدی»**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | سعادت چیست؟ | | | |
| **تتبع و نگارش:** | امین الدین «سعیدی» | | | |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی - آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی...) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | اسفند (حوت) 1394 شمسی جمادی الاول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

سعادت چیست؟

مفهوم سعادت و معانی اصطلاحی آن و فهم ما از سعادت یکی از مطالب مهم و مرکزی در جوامع بشری و زندگی ما انسان‌ها بشمار می‌رود.یکی از سؤال‌های مهمی در زندگی انسان اینست که در یابد که سعادت چیست؟ سعید و خوشبخت کیست؟ سعادت واقعی چیست؟ و چطور میتوان انسان به سعادت واقعی دست یابد؟ یافتن جواب درست ومنطقی به این سوالات، به اطمینان کامل حلی برای بسیاری از مشاکل ما شده می‌تواند ودرک مفردات آن امر بسیار مهمی بشمار می‌رود.

سعادت در فرهنگ هر ملت و حتی هر انسان مفهوم، محتوی و تعاریف مختلفی دارد. هر گروه و فرقه انسانی سعادت را به شگل خاصی وذوق خود تعریف و تشریح نموده‌اند و فهم خویش را ازین مفهوم دارند.

کلمه سعادت یا خوشبختى در لغت، توسط علماء به معناى سعادت و خوش طالعى مورد ترجمه وتفسیر قرار گرفته است. همچنان علماء در تعریف سعادت می‌گویند: «سعادت: رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگى وصول به آن را دارد» ویا به عبارت دیگر: سعادت عبارت از استفاده صحیح، سالم ومشروع از نیروهاى مختلف مادى و معنوى که پروردگار در تصرف واختیار انسان قرار داده‌است.

این فهم را قرآن عظیم الشان با زیبای خاصی خویش چنین معرفی می‌فرماید:

﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا ٧ فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا ٨ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ٩ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا ١٠﴾ [الشمس: 7-10].

از فحوی آیات متبرکه با صراحت تام معلوم می‌گردد که: فلاح انسان در گرو تزکیه نفس است و «فلاح‏» همان سعادت و کمال نفس انسانى است، از این نظر که موجب رست‌گارى و رها شدن انسان ازمشکلات است. از آن نظر که موجب دستیابى به خواسته‏هاست «فوز» و از نظر اینکه مطلوب ذاتى است «سعادت‏» نامیده مى‏شود.

اگر ما حکمت وفلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل وارزیابی قرار دهیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که‌، هدف از خلقت جهان وبه تعقیب آن خلقت انسان‌، رساندن انسان به کمال فضیلت و رساندن انسان به بالاترین کمال انسانی است‌، بنابر همین منطق است که گفته می‌توانیم که انسان فطرتاً مخلوق کمال‌جو و سعادت طلب خلق گردیده است. بنآ همه انسان‌ها می‌خواهند خود را به سعادت گم شده خود برسانند.

ولی در این جای شک نیست که انسان‌ها برای رسیدن به معراج سعادت برای خود راه‌ها و وسایل مختلفی را مطرح و پیش‌بینی می‌نمایند. برخی از انسان‌ها رسیدن به سعادت و خوشبختی متصور خویش را در رسیدن به «لذت» ظاهری و برخی دیگر از انسان‌ها «لذت‌های» باطنی را مایه سعادت و خوشبختی معرفی می‌دارند. ابن سینا، سعادت را به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یکنواخت و هماهنگ که موجب کمال انسان می‌شود، معنا کرده‌اند.

همچنان علماء بدین باور و عقیده‌اند که هر کدام از دو خصوصیت (سعادت و شقاوت) برای خود معنای بخصوصی دارند. بطور مثال: «روح» دارای سعادت و شقاوتی است. و «جسم» هم دارای سعادت و شقاوتی بخصوص خود میباشد. بنابر همین منطق است که قرآن عظیم الشان انسان را موجودی مرکب از جسم و روح معرفی داشته است. روحی ابدی و جسمی متحوّل و متغیّر. بنابراین آنچه که تنها مربوط به سعادت‌، «روح» انسان است‌. مانند علم، تقواو امثال آن‌، از سعادت‌های انسانی می‌شمرد و همچنین اموری که سعادت جسم و روح را با هم دربر دارد، از سعادت‌های انسان محسوب می‌فرماید: مانند نعمت مال و اولاد بشرط آنکه انسان را از یاد پروردگار غافل نکند و دلبستگی به حیات دنیوی را به دنبال نداشته باشد. همچنین سعادت انسان اموری است که در ناحیه جسم و بدن سختی و ناملایماتی را بوجود آورد ولی در ناحیۀ روح از سعادت شمرده می‌شود، مانند قبول مشقت‌های جسمی در راه خدا، انفاق اموال در راه خدا. امّا اموری که در روح شقاوت ایجاد کند، گرچه سعادت جسمانی را به همراه داشته باشد، هیچگونه سعادتی را همراه ندارد، مانند لذائذی که فقط جنبۀ دنیوی غیر مشروع داشته و این لذایذ غیر مشروع دنیوی موجب فراموشی از یاد خداوند گردد. این نوع لذائذ و به اصطلاع سعادت‌ غیر مشروع جسمانی را پروردگار برای انسان در واقعیت عذاب شمرده است.

دین مقدس اسلام، به انسان هشدار می‌دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یکسره خود را به لذایذ و رنج‌های دنیوی منحصر شمارد. بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این انسان است که می‌تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی،‌ یا سعادت جاودانه و ابدی و همیشگی. دین اسلامی درین راستا اعتدال را مراعات کرده و برای بهره‌گیری از لذایذ مادی و معنوی حدود و ثغور بس عالی و انسانی را تعیین نموده که با پیروی همان گونه که از طبیعت این دین که دین دنیا و آخرت است رهنمایی و هدایت می‌کند. پیروی ازین اصول سبب صلاح و فلاح دنیا و آخرت خواهد بود.

مسّلم است که سعادت و خوشبختى از آنِ انسان‌ها و جوامع بشری است که آسایش خاطر و آرامش بیشترى داشته باشند. برای عده که سعادت و خوشبختی را تنها در داشتن مال دنیوی خلاصه می‌کنند باید گفت که: مال و ثروت و قدرت، به هیچ صورت منشأ سعادت و خوشبختى به حساب نمى‏آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه مى‏آورند اماحتمی نیست که آرام بخش باشند. یکى از دانشمندان انگلیسى مى‏گوید: براى مردم عاقل، ثروت یکى از عوامل اضطراب و بدبختى است. مسئله مهم این است که باید بکوشیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. ما باید امیر نفس باشیم نه اسیر نفس. کسانى که در عشق ثروت و قدرت فرورفته‌اند و همیشه خود را اسیر آن ساخته‏اند و متداواماً در فکر آن می‌باشد که مبادا در کشمکش حوادث، مال ودارای خویش را از دست ندهند، بناً همیشه در فکر غرق‌اند. باید دانست که همچو اشخاص به هیچ وجه روی خوشی را نخواهد دیدی. باید تعمق کرد و دانست که در کفن جیب نیست (آن هم به گمان است که ببری یا نبری).

انسان چگونه می‌تواند به سعادت حقیقی دست یابد:

1. کسب رضای پروردگار: اولین چیزی که انسان میتواند به سعادت واقعی وحقیقی برسد همانا کسب رضای پروردگار با عظمت است. قرآن عظیم الشان در سورۀ عصر، آنعده از انسان‌های را از خسران مستثنى می‌سازد که آنان مؤمن و نیکوکار باشند. قرآن با صراحت تام بیان می‌دارد: انسان‌ها مؤمن ونیکو کار به طور حتمی به فلاح و رستگار دست می‌یابند. ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾ [العصر: 3].

علماء علم اخلاق می‌گویند خوش بخت کسى است که زندگى خوشایندى داشته باشد و رسیدن به این مامول جز با رضا پروردگاردر چیزی دیگری به دست نمی‌آید.

1. تقوا وپر هیزگاری: دومین عامل رسیدن به سعادت حقیقی را قرآن عظیم الشان در سوره شمس آیه (۹) پس از یازده سوگند و قسم چنین بیان می‌دارد:

سعادت و رستگارى نصیب آنعده از انسان‌های است که خود را از پلیدى تطهیر کند و بدبخت کسى است که به ناپاکى روی بیاورد.

یکی از عوامل ارسال کتب سماوی و ارسال پیغمبران الهى در همین فهم خلاصه می‌گردد، پیغمبران آمده‌اند تا برای ما انسان‌ها راه زندگى ورسیدن به زندگی سادتمند ابدی را نشان دهند. پیامبران الهی مبعوث گردیده‌اندتا برای بشریت راه خیر وراه رسید ن به سعادت را تعلیم دهند. یکی از رسالت انبیاء همین است که برای انسان‌ها راه‌ها و طرق ورود به زندگی سعادتمند، خوش بختى، نیکى و نیکوکارى، راستى و درستى و استحکام اخلاقى و خیرخواهى و مهربانى را به آموزند.

1. یاد پروردگار: مهمترین عامل و وسیله که موجب خوشی وآرامش روح انسان میگردد، همانا یاد پروردگار است. قرآن عظیم الشان در (سوره رعد: آیه ۲۸) مهم‌ترین عامل و وسیله براى خوشى و آرامش روح را یاد پروردگار معرفی داشته است: ﴿أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28]. «تنها با یاد پروردگار است که، قلب‌ها آرام مي‌گيرند». البته روى گرداندن از یاد الله را عامل سیه روزى و بدبختی معرفی داشته و می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا﴾ [طه: ۱۲۴]. «هرکس از یاد من روى گرداند، زندگى‌اش سخت می‌شود». اما باید گفت راز خوشبختی تنها در نور ایمان الهی نهفته است و بس. انسان‌های در زندگی خویش خوشبخت هستند که از آرامش نفس و روح حقیقی برخوردار باشند. آنعده از انسان‌های که سعادت را صرف در زراندوزی و انباشتن مال و منال می‌پندارند در اشتباه‌اند. تجربه به اثبات رسانیده است که مال، و دارای زیاد هیچ وخت برای انسان سعادت را به بار نیاورده، در زیاتر از موارد همین مال و ثروت است که باعث مصیبت‌ها و فلاکت‌های متعددی برای انسان می‌گردد.
2. عمل صالح: قرآن عظیم الشان عمل صالح را در اعمالی مانند جهاد فی سبیل الله، امر به معروف، نهى از منکر، بجا آوردن شکر نعمت‌هاى الهى و توبه را مایۀ، زندگی با سعادت برای نسان معرفی داشته است.
3. مجالست و هم نشینى با علماء و بزرگان: پیغمبر اسلام میفرماید: «سعادت مندترین انسان‌ها کسانی‌اندکه با علماء و شخصیت‌های بزرگوار و کریم هم نشین داشته باشد».
4. داشتن اولاد صالح: زن صالحه و منزل شایسته؛ از جمله عوامل است که واقعاً انسان را به سعادتمندی واقعی می‌رساند: در حدیثی از پیغمبر اسلام محمدص روایت است که می‌فرماید: «من سعادةالمرء المسلم الزوجة الصالحة والمسکن الواسع والمرکب الهنىء والولد الصالح». «از سعادت انسان مسلمان است که زن شایسته، خانه وسیع، مرکب راهوار و فرزند شایسته نصیبش باشد».

هموطنان و خوانندگان گرامی و محترم!

نصحیت و توصیه اخلاصمندانه، دوستانه وبرادرانه من برای رسیدن به زندگی با سعادت و بهتر، این است: که باخود تعهد نمایم که مرتکب گناه نشویم. من معتقدم که هرچه گناه و عصیان کمتر باشد زندگی سعادتمند لذتمند در اختیار خواهیم داشت. بر ماست تا باطن ما بهتر از ظاهر ما باشد.

خوش خلقی را نباید در زندگی فراموش کرد، آنچه که در زندگی از آن فایده‌ای و سعادت اصلی متصور نیست آنرا باید ترک کرد ما باید به این نتجیه در زندگی خویش برسیم که در دنیا آنچه نصیب انسان می‌ماند که با کار آخرت آید. انسان نباید فریب مال ومنال دنیا را خورده و همیشه در فکر پول و پیسه و دارای براید. در این هیچ جای شک نیست، انسان تا می‌تواند کار و زحمت بکشد تا محتاج کسی نشود و دستش برای دیگران دراز نشود. اما مراعات اعتدال و اوامر الهی درین رستا سبب صلاح و فلاح هردو عالم خواهد گردید.

الهی! ما را سعادت دارین نصیب فرما.

الهی پرودگارا! بر خود ظلم روا داشته‌ایم اگر بر ما ترحم او درگذشت نه کنی، از جمله خساره‌مندان خواهیم بود.

ربنا ظلمنا أنفسنا أن لم تغفرلنا وترحمنا فنکونن من الخاسرین.

ومن الله التوفیق